

جایگاه علم قاضی در کشف جرائم امنیتی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۸/۰۳)

پویا شیرانی^۱

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علوم و تحقیقات، واحد تهران، ایران و مدرس دانشگاه

دکتر مسعود حیدری

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

عبدالحسین معرفی شلحه

پژوهشگر و مسئول انجمن روشنفکران و معاون پژوهشی و فناوری آموزش و پرورش آبادان.

چکیده

علم قاضی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا در نظام های حقوقی معاصر به خصوص در نظام قضایی اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است و این بحث در فقه سابقه ای بیش از هزار سال دارد. هر چند بیشتر فقیهان معتقد به حجیت مطلق علم قاضی اند اما نگرانی از قرار گرفتن دادرس در معرض اتهام و امکان سوء استفاده او از قدرت، ضرورت طرح دقیق این بحث را نشان می دهد. به ویژه که امروزه دوباره پاره ای از دادرسان ادعا دارند که می توانند به علم یا اطلاعات شخصی خود برای احراز مبانی ماهوی استناد کنند و بی نیاز از هر گونه دلیل و مصون از هر نظارت اند. علم قاضی یکی از ادله اثبات جرائم است که قاضی در صدور آراء، خود را بی نیاز از دلیل دانسته و با علم خود رأی دهد. این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و هدف از این نگارش بررسی میزان تأثیر علم قاضی و بررسی جایگاه علم قاضی در کشف جرائم امنیتی می باشد. نتیجه حاصله این است که در حقوق موضوعه ایران با توجه به قوانین موجود تنها علم ناشی از ادله واجد مستندات بین، معتبر دانسته شده و علم شخصی قاضی فقط کارکرد کنترلی سایر ادله را بر عهده دارد.

واژگان کلیدی: ادله ثبات جرم، علم قاضی، جایگاه علم قاضی، جرائم امنیتی، اقناع وجدانی قاضی



۱- مقدمه

در حقوق کیفری اسلامی، گرچه اموری به عنوان ادله اثبات دعوی ذکر شده و یک‌سری شرایطی هم از طریق شارع برای آن‌ها تعیین گشته است، ولی با وجود آن، قاضی مجبور نیست با فراهم آمدن صوری این ادله حتماً به مقتضی آن حکم دهد. او می‌تواند به شهادت، اقرار، سوگند و غیره که به نحوی به فاسد بودن آن علم حاصل کرده است، ترتیب اثر ندهد و به استناد امارات و غیره دعوی را فیصله دهد (آزمایش، ۱۳۸۶، ص ۸۲) در همین راستا ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، اگر علم بین باقی بماند آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و براساس آن‌ها رأی صادر می‌شود». بنابراین در امور کیفری مشروعیت دلیل بسته به میزان علم و اطمینانی است که برای قاضی به وجود می‌آورد لذا هر چند دلیل مثل اقرار و شهادت شهود معتبر باشد اگر نتواند برای قاضی علم ایجاد کند دلالت ندارد (ادوارد، سعید و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۸۸) و صلاحیت قاضی در تعیین ارزش اثباتی دلایل بی‌بدلیل است؛ البته رد یا قبول و پذیرش دلایل توسط او می‌بایست بر اساس عرف قضایی باشد، حالیه هر آن‌چه مستندات پرونده و ترکیب قرائن آن منسجم‌تر باشد آن‌گاه بر اعتلای ارزش اثباتی دلایل می‌افزاید.

۲- پیشنهاد تحقیق

خرسندیان در سال ۱۳۸۳ مقاله ای تحت عنوان علم بررسی حجیت علم قاضی در فقه و حقوق ایران نوشته اند که به بررسی مبانی نظریات پرداخته شد و نتیجه حاکی از آن است که: با تحقیق در آیات، روایت‌ها و دلایل مطرح شده در فقه، می‌توان دلایل معتبری برای اعتبار علم قاضی یافت؛ اما در میان استدلال‌های موافقان و مخالفان، مواردی وجود دارد که موجه به نظر نمی‌رسد. با توجه به دلایل مورد پذیرش، قلمرو اعتبار علم قاضی تعیین می‌گردد. بر این اساس، ارزش اثباتی علم در دادگاه‌ها، تنها



برای قضات جامع شرایط است؛ با وجود این، استناد به علم، برای اثبات جرایمی مانند زنا، صحیح نیست. علمی که اعتبار آن به اثبات می‌رسد، علم متعارف است؛ اما لازم نیست که این علم حسی باشد. با مطالعه قوانین موضوعه ایران، درمی‌یابیم که علم قاضی به طور مطلق مورد پذیرش قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق، ناهمگونی و تا حدودی فاصله مواد قانونی را از مبانی فقهی مورد پذیرش نشان می‌دهد.

حیدری در سال ۱۳۹۲ مقاله‌ای تحت عنوان اعتبار علم قاضی در صدور احکام کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نوشته‌اند که به بررسی مواد قانون ۱۳۹۲ پرداخته شد و نتیجه حاکی از آن است که:

که علم و اقناع وجدان قاضی در این قانون در طول سایر ادله قرار داده شده و معیار اثبات دعاوی کیفری تلقی گشته است. این مساله گرچه در تعزیرات دارای سابقه است ولی در حدود و قصاص از ابداعات قانونگذار کیفری تلقی می‌شود. به نحوی که قانونگذار در این جرائم عمل به ادله قانونی را مشروط به اینکه قاضی علم به خلاف آن‌ها نداشته باشد، امکان پذیر دانسته است.

بهره‌مندی، و همکاران در سال ۱۳۹۸ مقاله‌ای تحت عنوان تقدم علم قاضی در مقام تعارض با سایر ادله اثبات دعوی با رویکردی بر مبانی فقهی و اخلاقی نوشته‌اند که به بررسی تعارض علم قاضی با سایر ادله اثبات دعوی با رویکردی بر مبانی فقهی و اخلاقی پرداخته شد و نتیجه حاکی از آن است که: در فرایند این پژوهش، مباحث و مفاهیم اخلاقی، اصولی و فقهی در راستای، تحقق مبانی تحقیق و موضوع، آورده شده و حسب اصول اخلاقی، استدلالات فقهی و قواعد اصولی حجیت علم قاضی را متعرض شده، با این بیان وقتی که دعاوی با ادله ظنی چون اقرار و بینه که کاشفیت ناقص از واقع دارند، قابل اثبات است، پس بطریق اولی علم قاضی که کاشفیت تام از واقع دارد حجت است. تقدم علم بر ظن و اولویت علم قاضی نسبت به بینه و امارات، رجحان و تقدم علم قاضی را اثبات نموده است پس از اثبات تقدم علم قاضی بر اساس قواعد اصولی، فقهی و اخلاقی که زیر بنای قضاوت و



شان قضااست می‌تواند به نوآوری و رهگشایی این پژوهش در مقام قضاوت و صدور رأی در محاکم به ویژه آنجا که قانونگذار در مقام تعارض ادله سکوت اختیار کرده است پی برد تا قاضی پرونده بتواند با تقدم علم قاضی رأی مقتضی را صادر نماید.

موسویان در سال ۱۳۸۴ مقاله‌ای تحت عنوان قلمرو حجیت علم قاضی در فقه نوشته‌اند که به بررسی چهار نظریه از فقه‌های شیعه و سه نظریه از فقه‌های اهل سنت و ادله موافقان و مخالفان پرداخته شد و نتیجه حاکی از آن است که: ادله موافقان از اثبات این مدعا در مورد حق الله و اجرای حد، قاصر است و اجرای حدود شرعی منوط به اثبات، از طرق شرعی است، اما در مورد حق الناس چنانچه علم قاضی مستند به شواهد و قرائن قابل قبول باشد، حجت است و می‌توان بر اساس آن حکم و مجازاتی - غیر از حد شرعی - برای مجرم تعیین کرد. اگر قاضی بخواهد در صورت فقدان ادله معتبر، صرفاً بر اساس علم شخصی خودش حکم کند، ادله حجیت علم قاضی از اثبات این مورد نیز قاصر است و نباید قاضی خود و دستگاه قضایی را در موضع تهمت قرار دهد. در هر صورت اگر قاضی (چه در حق الله و چه در حق الناس) به نادرستی ادله ارائه شده علم دارد، نباید مخالف عقیده خودش حکم و خود را در ادله مذکور محصور کند زیرا ادله وجوب حکم به عدل و حق، اجازه صدور حکم مخالف حق را به او نمی‌دهد.

۳- روش تحقیق

در این تحقیق از ابزار فیش برداری و از روش تحلیلی- توصیفی به جمع‌آوری مطالب از مقالات معتبر علمی و کتاب حقوقی استفاده شده است و به استنباط‌های محتوای مرتبط با موضوع پرداخته می‌شود.



۴- بررسی و شناسایی علم شخصی قاضی

علم شخصی قاضی یعنی علمی که برای دادرس، خارج از پرونده و در خصوص موضوع پرونده حاصل شده باشد. در واقع وقتی از اعتبار علم دادرس صحبت می‌شود منظور همین نوع از علم است. با توجه به اینکه نظام قضایی، خصوصاً در امور مدنی، مبتنی بر نظام دلایل قانونی است سؤال اینجاست که علم شخصی قاضی که خارج از پرونده حاصل شده است در این نظام قضایی چه جایگاهی دارد؟ لازم به ذکر است که نباید چنین پنداشت که علم حاصل از طرق غیر عادی، مانند علم حاصل از جفر، سحر و وحی نیز در این قسمت مورد نظر است، زیرا این علوم به علت این که قابلیت ارائه منشای علم و رعایت اصل تناظر را ندارند، نمی‌توانند مستند حکم قرار گیرند. و لذا پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به علم غیب به قضاوت نمی‌پرداختند و بر مبنای علم عادی و ادله اثبات دعوا رسیدگی می‌نمودند و به همین خاطر است که کسانی هم که علم شخصی قاضی را در رسیدگی به پرونده معتبر می‌دانند، عادی بودن طریقه حصول علم را از شرایط حجیت آن بر می‌شمارند.

«علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.

تبصره: مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.»

لازم به ذکر است حسب نظریه مشورتی ۷/۱۲۴-۱۳۶۴/۲/۲۳ مراد از علم قاضی، قاضی صادرکننده رأی است و علم قاضی تحقیق یا دادستان برای حاکم دادگاه ارجحیت ندارد و دلیل قاطع محسوب نمی‌گردد ولی می‌تواند از امارات باشد.



با عنایت به این که سیستم حقوق کیفری ایران، از قید و بندهای تحصیری ادله اثبات کیفری تبعیت نمی‌نماید و ارزیابی نهایی دلایل و امارات برعهده علم و اقناع وجدانی قاضی است حالیه این علم دارای خصوصیتی است، چرا که قاضی با تمسک بدان در مسیر کشف حقیقت و واقعیت می‌بایست گام بردارد فلذا با مذاقه در دلایل ابرازی می‌بایست وجدان خود را به علم و اطمینان منیول و به آرامش خاطر و طیب نفس برسد.

۵- استقلال علم قاضی از سایر ادله اثبات دعوی

«علم قاضی در قوانین کیفری از دو جایگاه برخوردار است. اول این که خود دلیل تام و مستقلى است که با فقدان سایر دلایل به تنهایی می‌تواند مستند حکم واقع شود و دوم این که چنانچه با سایر دلایل قانونی (اقرار، شهادت، شهود، قسم) موجود باشد بر همه آنها مقدم و نسبت به آنها اقوی می‌باشد و در رأس ادله مزبور قرار دارد». از آنجایی که هدف قانون‌گذار اسلامی از وضع قوانین مختلف کیفری، رسیدن به واقعیت امر و کشف جرم می‌باشد و همواره سعی و کوشش او بر این قرار گرفته که هرچه سریع‌تر با استفاده از وسایل مختلف، جرم را به اثبات رسانده و مرتکب را به مجازات برساند لذا در این میان علم قاضی به عنوان یک دلیل کامل و مستقل که به تنهایی و خودی خود حجت و معتبر است و مورد توجه قانون‌گذار اسلامی ما قرار گرفته است و نظر او در این زمینه تأمین کرده است. همانگونه که قبلاً ذکر شد سایر ادله اثبات دعوی غیر از علم قاضی به تنهایی حجت و اعتبار نمی‌باشند، چون هر یک به تنهایی واقعیت امور را کشف نمی‌کنند تا دلایل اثبات جرم قرار گیرند. این گونه دلایل تنها زمانی که قناعت وجدانی برای قاضی حاصل نمایند و با علم قاضی و قناعت وجدانی او مغایرتی نداشته باشد، معتبر است اما علم قاضی اینطور نیست و برای این که علم قاضی به عنوان دلیل محقق شده و مورد استناد قرار گیرد حتماً لازم نیست دلایلی قبل از آن در دادگاه ارائه شود تا با بررسی و تحقیق، علم برای قاضی محقق گردد لذا چنانچه قاضی دسترسی به اقرار، شهادت و قسم نداشته باشد اما بر اساس قرائن و امارات موجود در پرونده عقیده به مجرمیت متهم داشته باشد باید طبق علم و اعتقاد درونی خود رفتار و حکم محکومیت متهم را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه عدم اقامه اقرار، شهادت



و قسم و به دلیل نبود دلایل مزبور، متهم را تبرئه نماید. بدیهی است قناعت وجدانی قاضی زمانی حاصل می‌گردد که قاضی اطمینان و علم به عدم مغایرت حکم صادره با واقع داشته باشد و در صورت فقدان ادله اثبات دعوی علم قاضی و رسیدن به یقین درونی مبنای صدور حکم می‌باشد (Mireille ۲۰۰۷, p۸۷, Delmas-Marty) علی‌ای حال علم قاضی به طور ویژه در راستای اثبات جرائم امنیتی کارایی مؤثر دارد؛ فلذا در پروسه تبیین و تبدیل شواهد اطلاعاتی به مستندات قضایی می‌بایست حتی - الامکان در صورت نداشتن شکست‌های حفاظتی، مواردی را که در راستای اقناع وجدانی و اعتلای علم قاضی است در بازجویی و گردش کارهای این دسته از جرائم ملحوظ‌نظر نماییم. از آنجایی که علم قاضی بر اساس اسناد و مدارک و قرائن و امارات موجود در پرونده تکمیل می‌شود فلذا می‌بایست برای حصول اقناع وجدانی ضمن مطمح‌نظر قرار دادن مستندات منشأ علم در پرونده، صدور حکم خویش را متعلق بر آن قرار دهد. بنابراین با توجه به آن‌چه که گفته شد، قاضی نمی‌تواند چه در امور مدنی و چه در امور کیفری تصمیمی برخلاف علم خود بگیرد؛ مع‌الوصف بر اساس علم خود وقتی می‌تواند رأی صادر کند که بتواند موجبات حصول علم خود را قید نماید و رأی خود را موجه نشان دهد و به عبارت دیگر برای این که معلوم شود علم قاضی و برداشت ذهنی او از قرائن موجود، به طور متعارف و معقول می‌باشد و از غرض‌ورزی و سوءنیت و اشتباه به دور بوده است، از لحاظ قانونی مکلف است که در کلیه دعاوی، تمامی مستندات علم خود و کلیه قرائنی که موجب حصول علم برای او شده‌اند را با رعایت انصاف و تقوا یک‌به‌یک در حکم اصداری، تشریح و ارتباط و دلالت آن‌ها را بر وقوع جرم یا حقانیت یک طرف را بیان کند؛ و بدین ترتیب راه را برای بررسی و کنترل دقیق مراجع تجدیدنظر نیز هموار سازد. حالیه در پرونده‌های جرائم امنیتی از آنجایی که در برخی موارد مستندات و شواهد اطلاعاتی دارای طبقه‌بندی می‌باشند و به لحاظ رعایت ملاحظات حفاظتی قابلیت درج در پرونده قضایی را ندارد؛ فلذا حتی الامکان وجود احراز مستند علم قاضی را در گردش کار قید نمایند و تأکید گردد در صورت نیاز مقام قضایی در محاکم عالی، به روئیت آنان رسیده و پس از رفع نیاز اعاده و عنداللزوم در معیت مأموران امنیتی به سبب تنویر ذهن قاضی به سمع و نظر او رسیده و با نگاشتن



صورت مجلس موجبات علم خویش را به صورت مستند در پرونده قید نمایند. لازم به ذکر است که عدم مذاقه در این مهم موجبات ابتر ماندن کیس‌های امنیتی را در پروسه قضایی مترتب می‌سازد. لازم به ذکر است که قاضی مجاز نیست اعتقاد وجدانی خود را مبنای ادله‌ای که از سوی قانون‌گذار ممنوع اعلام شده یا در عین مجازبودن، به طریق غیرقانونی و با نقض اصل مشروعیت تحصیل دلیل، به دست آمده‌اند، استوار سازد. مثلاً اقناع وجدانی قاضی، علی‌الاصول باید مستحصل و مستخرج از محتویات پرونده و ادله قانونی و مشروعی باشد که از سوی اصحاب دعوی ارائه و مورد بحث قرار گرفته‌اند. البته درخصوص پرونده‌های امنیتی می‌تواند با مذاقه در اهداف مجرمانه و شگردهای کشف و اهمیت اقدامات مجرمانه در راستای اقناع وجدانی قاضی گام برداشت.

۶- جایگاه علم قاضی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

مطابق ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ علم قاضی نیز در معیت اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در زمره ادله‌ای اثبات دعوی آمده است و همچنین در ماده ۱۶۲ قانون اخیرالذکر بیان می‌دارد: «هرگاه ادله‌ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شود». علاوه بر موارد مذکور، قانون‌گذار در ماده ۲۱۱ این قانون، علم قاضی را تعریف و بیان می‌دارد: «علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.

تبصره: مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد». در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌توانند ملاک صدور حکم باشد با عنایت به نظریه شماره ۷/۱۲۴ - ۶۴/۲/۲۳ دیوان عالی کشور، «مراد از علم قاضی، قاضی صادرکننده



حکم است و علم قاضی تحقیق یا دادستان برای حکم دادگاه حجیت ندارد و دلیل قاطع محسوب نمی‌گردد ولی می‌تواند از امارات باشد.

نکته قابل ذکر این است که در این بحث، مراد از علم قاضی صادرکننده رأی، الزاماً قاضی جامع-الشرايط نیست بلکه علم حاصل از طرق متعارف برای قاضی مأذون نیز حجیت دارد و از جمله ادله اثبات دعوی به شمار می‌آید و این نظر را کمسیون استفتائات شورای عالی قضایی در سال ۱۳۶۳ اعلام داشته و می‌گوید: «حجیت علم قاضی از باب کشف و طریقت است و مختص به مجتهد نیست بلکه علم حاصل از طرق متعارفه برای قاضی مأذون نیز حجیت دارد و در اعداد ادله شمرده شده است» بنابراین مقصود مقنن از آوردن الفاظ «حاکم شرع»، «حاکم»، «قاضی» به هنگام تدوین قانون، قاضی رسیدگی کننده به حکم می‌باشد خواه مجتهد جامع الشرايط باشد، خواه نباشد. ماده ۲۱۲ قانون مذکور، در موارد تعارض علم قاضی با سایر دلایل چنین اشعار می‌دارد: «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آن‌ها رأی صادر می‌شود. بنابر آنچه گفته شد مشخص گردید جایگاه علم قاضی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بسیار دارای ارزش و اعتبار می‌باشد فلذا باید در جمیع پرونده‌های امنیتی، مستندات و شواهد اطلاعاتی را به نحوی تدوین نماییم تا موجبات اقناع وجدانی و علم قاضی را فراهم آوریم.

۲- دلایل نوین

با عنایت به پیچیدگی زندگی در جوامع انسانی عصر حاضر و نیز ارتقای رشد علمی انسان و اختراع ابزارهای دقیق، نقش دلایل علمی در امر قضا علی‌الخصوص در مباحث جرائم امنیتی بیش از پیش نمایان است از این رو طبیعی است که قاضی در کشف واقع یک جرم به نظر اهل خبره توجه نماید، در غیر این صورت غالب رسیدگی‌ها ابتر می‌ماند. در حقوق موضوعه معاصر جایگاه ادله اثبات امر کیفری



متفاوت است از جمله نقش ادله علمی ناشی از داده‌های علمی اهمیت فراوانی یافته است (نجفی محمدحسن، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲). به طور مثال ارجاع به کارشناسی در حقوق ایران فراتر از تعیین موضوع نیز می‌باشد و هرچند در برخی از جرائم طریق اثبات در قانون ذکر شده است، لکن چون این امر از باب طریقت و حصول علم برای قاضی است و قاضی برای حصول قطع و یقین از هیچ نوع تحقیقی که علم به بار آورد، منع نگردیده، لذا در دادرسی استفاده از طریق علمی کشف جرم مورد غفلت قرار نگرفته است.^۱ بحث از ماهیت و مبنای توجه به نظر اهل خبره در فقه دارای سابقه طولانی است. پرسش اصلی آن است که آیا نظر کارشناس و اهل خبره در باب شهادت مطرح می‌گردد یا دارای مبنای مستقلی است. برخی از فقها صرف علم و قطع شاهد را بر یک واقعه برای ادای شهادت کافی می‌دانند و بر ضرورت حسی بودن منبع این علم اعتقادی ندارند و شهادت بر اساس علم غیرحسی را نیز جایز می‌دانند. لذا ارزش و اعتبار نظر اهل خبره و کارشناس از باب شهادت بودن آن است. بر اساس این دیدگاه، شرایط شاهد و نیز تعدد آن در جرائم خاص، در کارشناسی نیز شرط بوده و ارزش و اعتبار کارشناس در اثبات جرم هم‌پایه شهادت است. اما دیدگاه دوم فقه، برای شهادت مبنای حسی قائل است و به دلیل آن که کارشناسی فاقد منشأ حسی است، آن را متفاوت از شهادت می‌داند. علاوه بر این کارشناسی ماهیتاً کار تخصصی است و مبنای اعتبار و حجیت نظر اهل خبره مستقل از شهادت است. شایان ذکر است کارشناسی برای اثبات جرم نقش طریقت داشته و از طریق آن قاضی پرونده به علم و اعتقاد باطنی می‌رسد (نسل، ۱۳۹۵، ص ۸۳). و منظور از کارشناسی در مباحث معنون همان ادله نوین بوده است. علی‌ای حال با امعان نظر به تمسک مجرمین جرائم امنیتی و اطلاعاتی به شگردهای علمی لاجرم استفاده از ادله علمی در مواجهه با آن‌ها امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. شواهد اطلاعاتی که غالباً از طرق علمی استحصال گردیده نیز در جرگه تنوع این ادله علمی قرار گرفته‌اند که در ادامه برخی از موارد کلان آن مورد واکاوی تنقیحی قرار خواهد گرفت. گزارش‌های عادی یا معمولی که در مواقع مختلف توسط ضابطان امنیتی ارائه می‌شود، بخش وسیعی از اظهارنظرهای آن‌ها

^۱ بخشنامه شماره ۱/۵۶۳۱۳ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۶ شورای عالی قضایی.



را شامل می‌شود. منظور از عادی بودن، این است که اظهار نظر در آن خصوص نیاز به تخصص نداشته و تمامی ضابطان می‌توانند از عهده‌ی انجام آن برآیند. مانند گزارش تحقیقات محلی، استماع اظهارات مطلعین و شهود. در خصوص میزان ارزش و اعتبار گزارش‌های عادی ضابطان، جهت تبدیل به مستندات قضایی دیدگاه‌های زیر وجود دارد:

• اعتبار گزارش ضابط به شرط تأیید قاضی

نظر نخست در تبصره‌ی ذیل ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان شده است. طبق این ماده، احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطین دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است. این ماده دو تبصره دارد که طبق تبصره یک، دادستان مکلف است به طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید. قانون‌گذار در عبارت مذکور، برای اعتبار گزارش ضابط دو شرط موثق بودن و مورد اعتماد بودن را ضروری دانسته است.

• توثیق توسط قاضی^۱

در متن ماده تصریح نشده است که موصوف صفت موثق بودن، ضابط است یا گزارش وی. خوش-بینانه‌ترین تعبیر آن است که بگوییم منظور قانون‌گذار، موثق بودن گزارش‌های ضابط بوده و مراد این است که گزارش از کانال‌های موثق و قابل اعتماد به ضابط رسیده یا ضابط شخصاً آن را ادراک کرده باشد (نسل، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲).

^۱ Confirmation by the Judge



• مورد اعتماد بودن^۱

به نظر می‌رسد صفت مورد اعتماد بودن، به ضابطه تعلق دارد؛ به این مفهوم که ضابطه باید مورد اعتماد قاضی باشد تا گزارش‌های وی نیز معتبر تلقی شود. اعتماد و عدم اعتماد، بیش از آن که یک واقعیت خارجی و قابل ملاحظه و اثبات باشد، یک امر ذهنی و ارزشی است و بیشتر بستگی به نظر قاضی و عملکرد و شخصیت ضابطه دارد. اساساً اعتماد قاضی، از نحوه‌ی نگرش و ذهنیات قاضی نسبت به پلیس و دیگر ضابطان ناشی می‌شود (فارس نجاری، ۱۳۹۵، ص ۱۸۳). چه بسا عملکرد نامطلوب مأموری از سازمان مشخص، ذهن قاضی را نسبت به کلیه‌ی مأموران آن سازمان مکدر و مخدوش کند و به عکس، حسن عملکرد مأمور دیگری از سازمان دیگر، نظر قاضی را نسبت به سازمان متبوع وی، با خوشبینی توأم کند. مهم‌ترین ایرادات تبصره‌ی فوق را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

اولاً: اصولاً لزوم احراز وثوق ضابطان جهت اعتبار گزارش‌های واصله از سوی آنان در صورت تکلیف، شرطی بدون وجه و تکلیف بمالایطاق می‌باشد و در صورت ارشادی بودن، عملاً غیرممکن و حداقل امری مشکل است؛ زیرا مقام قضایی که هر روز چندین گزارش از ناحیه‌ی ضابطان مختلف دریافت می‌کند، نمی‌تواند وثوق یکایک آن‌ها را احراز و سپس به گزارش‌ها ترتیب اثر دهد (نجفی- ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۳۳). ثانیاً: تبصره‌ی الحاقی با ماده تدوین شده ارتباطی ندارد. صدر و ذیل ماده از انتظام و انسجام و هماهنگی لازم برخوردار نیست و حقوق مسلم و مشروع قشر وسیعی از کارگزاران را به‌رغم جذب، استخدام، گزینش و آموزش آن‌ها نادیده گرفته است؛ زیرا از حقوق اولیه و ابتدایی افراد یک جامعه، رسمیت شناختن اصل برائت نسبت به آن‌هاست (سوادکوهی، ۱۳۹۵، ص ۲۵). هم‌چنین باید به این پرسش‌ها پاسخ داد که قاضی چگونه باید ضابطه را مورد اعتماد بداند؟ طریق تحصیل اعتماد قاضی چیست؟ برای این که گزارش ضابطه قابلیت استناد داشته باشد، چه شرایطی را باید دارا باشد؟ چرا قانون‌گذار متعرض ذکر ارکان، عناصر و مختصات گزارش ضابطان نشده است؟ شاید بتوان گفت

^۱ To be Trusted



در متون قانونی برای هیچ‌یک از این سؤال‌ها، پاسخی درخور ارائه نشده است (نوروزی‌فیروز، ۱۳۹۲، ص ۱۴).

• قضایای بودن گزارش ضابط

ماده ۴۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ این گونه مقرر می‌داشت که «در غیر منافی عفت، دادرسان و قضات تحقیق می‌توانند اجرای تفتیش یا تحقیق از شهود و مطلعین یا جمع‌آوری اطلاعات و دلایل و امارات جرم و یا هر اقدام دیگری که برای کشف جرم لازم بدانند با تعلیمات لازم به ضابطین ارجاع کنند و این اقدامات ارزش اماره قضایی دارد». با عنایت به توضیحات تشریحی در بخش‌های قبلی پیرامون امارات و انواع آن از ذکر مجدد خودداری می‌نمایم. حالیه از آنجایی که اماره قضایی در صورت تعارض با دلایل اثبات دعوی، ساقط می‌شود و دلیل بر اماره برتری دارد، نتیجه‌ی منطقی اماره‌انگاری گزارش ضابطان این است که اگر گزارش آن‌ها با سایر دلایل مانند شهادت، حتی یک شاهد یا اقرار متهم، تعارض پیدا کند، قاضی ناچار است شهادت یک شاهد را بر گزارش ضابط ترجیح دهد (یزدیان‌جعفری، ۱۳۹۵، ص ۲۳). بدین ترتیب قانون‌گذار تمامی گزارش‌های ضابطان دادگستری را در حکم اماره‌ی قضایی قرار داده بود و این قضاوت کلی و غیرکارشناسی بوده است ولی این جنبه مهم در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مغفول مانده و ذکری از آن به میان نیامده است.

• ارزش قضایی گزارش‌های تخصصی^۱ ضابطان امنیتی

پاره‌ای از گزارش‌های ضابطان در فرایند کیفری را باید فراتر از اظهارنظرهای معمولی و عادی محسوب نمود؛ زیرا این اظهارنظرها جنبه‌ی تخصصی دارد و می‌تواند به عنوان نظر اهل‌خبره مورد استناد مقام قضایی قرار گیرد. از جمله گزارش‌ها و اظهارنظرهای ضابط در فرایند کیفری و در تعامل با مقام قضایی را می‌توان، گزارش‌های تخصصی و فنی امنیتی، ضدجاسوسی و گزارش پلی‌گراف^۲

^۱ Specialized Reports

^۲ Polygraph



دانست یا به تعبیر عام‌تر گزارش آزمایشگاه‌های جنایی، گزارش افسران متخصص درخصوص نوع اسلحه و گلوله‌ای که باعث قتل یا جرح بزه‌دیده شده است و گزارش متخصص انگشت‌نگاری نیز از این دسته محسوب می‌گردند. به نظر می‌رسد گزارش‌ها و اظهارنظرهای فوق باید در حد نظر کارشناسی و به عنوان یکی از ادله اثبات جرم مورد توجه قرار گیرد؛^۱ زیرا علم و اعتقاد قاضی درخصوص امری، ممکن است بر تحقیقات علمی ضابطین امنیتی مبتنی باشد که استفاده‌ی از آن‌ها برای جمع‌آوری دلایل و کشف حقیقت در امر موفقیت دادگستری و توسعه‌ی قضایی مؤثر است؛ زیرا همان‌طور که بزه‌کاران روز به روز در ارتکاب جرائم، شیوه‌ها و شگردهای مدرن‌تری به کار می‌برند، دستگاه قضایی و ضابطان نیز ناچارند برای مبارزه با آن‌ها به تجهیزات پیشرفته‌تر و متناسب با شگردهای آن‌ها مجهز شوند و از فنون علمی روز در صورت عدم مغایرت با موازین شرعی استفاده کنند. با توجه به آنچه که گفته شد و با امعان‌نظر به شواهد اطلاعاتی درمی‌یابیم که مطمح‌نظر گزارشات کارشناسان امنیتی تمسک به قسم اخیر از داده‌های پرونده‌های این دسته از جرائم است و می‌بایست که به سبب تخصصی بودن مراتب، در ادنی حالت ممکن در زمره کارشناسی و نظر اهل خبره قرار گیرد. در قوانین ایران مواد ۱۲ تا ۱۶ قانون تجارت الکترونیکی به ارزش اثباتی داده پیام و امضای الکترونیکی پرداخته و در قانون جرائم رایانه‌ای مواد ۴۹ الی ۵۱ به استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی اختصاص یافته است. ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیکی که از بند ۲ ماده ۹ قانون آنیسترال اقتباس شده است که در آن، تشخیص درجه اثباتی داده پیام به عهده دادگاه گذاشته شده است و قانون‌گذار در مواد ۱۴ و ۱۵ قانون مذکور برای داده پیام تحت شرایط خاصی در راستای قابلیت استنادپذیری به داده پیام ارزشی معادل اسناد قائل شده است (امیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲) و همچنین طبق ماده ۴۹ قانون جرائم رایانه‌ای: «به منظور حفظ صحت و تمامیت و اعتبار و انکارناپذیری ادله الکترونیکی جمع‌آوری شده، لازم است مطابق آیین‌نامه

به طور کلی، در نظام حقوق کنونی ایران، ده نوع دلیل مورد پذیرش قرار گرفته است که عبارت‌اند از: ۱- سند ۲- اقرار ۳- قسامه ۴- شهادت ۵- نظر کارشناس (اهل خبره) ۶- گواهی مطلعین و تحقیق محلی ۷- معاینه‌ی محلی ۸- امارات قضایی ۹- علم قاضی ۱۰- برای مطالعه بیشتر در خصوص انواع دلیل، شرایط استماع آن و دوره‌های حاکم بر دلایل، بنگرید به: گروه پژوهشی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶.



مربوط از آن‌ها نگهداری و مراقبت به عمل آید». حالیه همان‌طور که بیان شد قانون‌گذار با تصویب قانون تجارت الکترونیکی و قانون جرائم رایانه‌ای لزوم پذیرش دلایل الکترونیکی از سوی محاکم را به عنوان اصل قرار داده است، منتهی حساسیتی که مقنن نسبت به شرایط و نحوه‌ی نگهداری ادله الکترونیکی قائل شده است، الزاماً باید رعایت گردند تا از قابلیت استنادپذیری برخوردار باشند. لازم به ذکر است اگر دلیل الکترونیکی را بتوان به گونه‌ای، اماره قضایی دانست، باید بیان داشت که این دلیل در مقایسه با دلایلی چون سند، اقرار و شهادت تنها دلیلی است که تشخیص دلالت آن بر امر مورد دعوی، به نظر قاضی واگذار شده و اعتبار آن متوقف بر اقناع وجدانی قاضی و حصول اطمینان برای وی دانسته شده است (آردی مک‌لارن، ۱۳۷۹، ص ۷۲). در رویه فعلی اعتبار ادله الکترونیکی مخصوصاً آن‌چه مربوط به فیلم، عکس دیجیتال و سامانه‌های اینترنتی است با رجوع به کارشناس قابلیت بررسی را دارا می‌گردد. بنابراین غالباً ادله الکترونیکی با رجوع به نظر کارشناس ارزیابی می‌شوند. در چنین حالتی اهمیت نظر کارشناس نیز قابل توجه و مذاقه است (افتخاری، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳). بنا بر آن‌چه که بیان شد استنادپذیری ادله دیجیتال منوط به جری تشریفات مقرر قانونی است و در جرائم امنیتی نیز به دلیل کاربرد بیش از حد آن می‌بایست نسبت به این مهم اهتمام لازم را معمول داشت تا از موجبات خروج اعداد دلایل نگردد.

نتیجه گیری

یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم نظام حقوق کیفری ما جرم امنیتی و تعریف آن می‌باشد در قوانین داخلی ما نیز تعریفی از جرائم امنیتی وجود ندارد لیکن نگارنده با مذاقه بر نظریات حقوق دانان کیفری جرائم امنیتی را بدین نحو ارائه نموده است: جرائم امنیتی جرایمی هستند که مرتکب به قصد اختلال در نظم و امنیت عمومی دست به ارتکاب عمل مجرمانه‌ای فراشخصی و جمعی زده که صلاحیت خلل در امنیت ملی را داشته باشد. از ویژگی‌های اختصاصی جرائم امنیتی می‌توان به قضاوت در اصول ماهوی نظیر اصل قانونی بودن جرم و مجازات ماده ۵۰۸ ق.م.آ و ماده ۵۰۰ ق.م.آ نام برد و نیز در اصل مادی بودن



جرائم می‌توان به ماده ۶۱۰ قصد مجرمانه اشاره نمود و همچنین در تمایز در اصول شکلی جرائم امنیتی می‌توان به اصل صلاحیت سرزمینی و اصل برائت و... اشاره نمود.

* ضابطین امنیتی وفق نصوص قانونی وزارت اطلاعات و سازمان حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در حیطه‌ی وظایف مشخص می‌باشد لیکن در اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۴ سازمان اطلاعات سپاه نیز به عنوان ضابط شناخته شده لیکن نگارنده قانون خاصی که صراحتاً وظیفه خاصی به این نهاد واگذار شده باشد به دست نیاورد. درخصوص مرجع ذیصلاح قضایی جرائم امنیتی وفق نصوص قانونی، دادگاه انقلاب صالح به رسیدگی این دسته از جرائم می‌باشد و در برخی موارد در صورت نظامی بودن مرتکب و ارتباط و مؤثر بودن بزه انتسابی به شغل وی سازمان قضایی نیروهای مسلح صالح به رسیدگی است و در مواردی نیز چنانچه مرتکب جرم امنیتی روحانی باشد، تشکیلات قضایی ویژه روحانیت عهده‌دار پیگرد کیفری می‌باشد. بازجویی در دانش امنیتی هنر طرح سؤالات مشخص با استمساک بر طرق قانونی جهت اخذ اطلاعات معین از متهم است و در تعریف حقوقی آن می‌توان این طور بیان نمود که بازجویی سازوکار هنجاری، دیالکتیک مقام صالح از شخص تحت کنترل در کشف حقیقت می‌باشد. قواعد شکلی حاکم بر بازجویی جرائم امنیتی شامل ۲ دسته می‌باشد:

الف) موارد ایجابی نظیر: اصل محرمانگی تحقیقات مقدماتی، احترام به اصل برائت، اعلام حقوق متهم، تفهیم اتهام، دریافت تذکر مواظبت در اظهارات و...

ب) موارد سلبی مانند: منع توسل به شکنجه، منع پرسش‌های القایی و اغفال متهم و...

لازم به ذکر است به فراخور موضوع استثنائات مترتب بر جرائم امنیتی همچون تعزیرات شرعی، عدم بیان علت بازداشت و... و لزوم حفاظت از کیس‌های امنیتی در متن پژوهش بدان پرداخته شده است.

* جرائم امنیتی به دو دسته جرائم مطلق و مقید تقسیم می‌گردند؛ جرائم مطلق به صرف انجام آن فارغ از انگیزه و عنصر معنوی و... فاعل تحت پیگرد قرار می‌گیرد. نظیر تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت



یا تحریک مردم به قتل و غارت و... لیکن در جرائم مقید امنیتی می‌بایست عناصر سه گانه ذیل مجتمعاً و بالاتفاق حادث گردد تا بتوان جرم امنیتی موصوف را کامل دانست:

الف) عنصر قانونی: باید فعل مجرمانه امنیتی در نصوص جزایی قانون گذاری شده باشد.

ب) عنصر مادی: غالباً قانون گذار در جرائم امنیتی پندار نکوهیده و قصد سوء را تا زمانی که به منصفه بروز و ظهور نرسیده است به مجازات نمی‌رساند؛ فلذا شرط تحقق این دسته از جرائم فعلیت عمل خارجی که تجلی نیت مجرمانه و یا تقصیر جزایی است. این عنصر شامل ارکان رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم و نتیجه و برآیند حاصل از دو مورد اخیرالذکر است.

ج) عنصر معنوی: علاوه بر عناصر قانونی و مادی، باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد. در واقع باید میان عمل و شخص عامل رابطه روانی یا ارادی برقرار باشد و به آن عنصر معنوی می‌گویند. این عنصر دارای دو پارامتر سوءنیت عام یعنی عالماً، عامداً و قاصداً باید فعل توسط مرتکب انجام شود و سوءنیت خاص یا هدف غایی مرتکب از انجام فعل ضدامنیتی محقق گردد.

مداخله کنندگان در جرائم امنیتی شامل افراد ذیل می‌باشد:

الف) مباشر یا فاعل مستقیم یا مباشر معنوی غیرمستقیم که عبارت است از این که فاعل مستقیماً جرمی امنیتی را شخصاً انجام دهد یا با شرایط خاص تقنینی توسط غیر، صورت پذیرد.

ب) مشارک به عنوان شریک در جرم امنیتی و فردی است که در عنصر مادی جرم امنیتی رأساً حضور دارد.

ج) معاون جرم امنیتی کسی است که شخصاً در ارتکاب عنصر مادی قابل استناد به مباشر یا شرکای جرم دخالت نداشته بلکه از طریق ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک دیگری (فاعل یا شریک) را یاری می‌رساند و می‌بایست دارای وحدت قصد و اقتران زمانی و... باشد.



حریم خصوصی در زبان محاوره و نیز در مباحث فلسفی، سیاسی و حقوقی مکرر استعمال می‌شود ولی هنوز تعریف یا تحلیل واحدی از این اصطلاح ارائه نشده است و این مفهوم ریشه‌های عمیقی در مباحث انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی و میزان ارزش آن در فرهنگ‌های مختلف دارد و به‌طور کلی معانی مختلفی از جمله آزادی اندیشه، کنترل بر جسم خود، کنترل بر اطلاعات راجع به خود، آزادی از نظارت دیگران، خلوت و تنهایی، حمایت از حیثیت و اعتبار و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها را شامل می‌شود.

پس از تشریح لزوم حفظ حریم خصوصی؛ مواردی از قواعد عقلی مختلف درخصوص جواز نقض حریم خصوصی در راستای حفظ امنیت حکومت اسلامی نظیر دفع ضرر محتمل، بنای عقلا، قاعده اهم و مهم و مصلحت مطالبی به توسیع بیان گردید. نقش اطلاعات در جوهری قدرت کشورها، نقشی برجسته و بارز است و به تعبیر مقام معظم رهبری، قدرت در داشتن اطلاعات است. بنابراین با عنایت به گستره وسیع جرائم امنیتی در استفاده از شگردهای فنی و اطلاعاتی می‌تولد تا دستگاه‌های امنیتی با تمام توان از این فناوری در راستای اشرافیت و در مرحله بعدی کشف جرائم امنیتی بهره‌برداری لازم را نمایند. موارد جمع‌آوری اطلاعاتی نظیر گزارش منبع، تک‌نویسی با ملحوظ‌نظر نمودن شرایط خاص، تعقیب و مراقبت در جرگه ادات ادله اثبات دعوی کیفری شهادت می‌باشد و موارد جمع‌آوری الکترونیکی و فنی و نیز روان‌شناسی و پزشکی در صورت عدم کاربرد دلیل متقن از منظر قضایی در حکم امارات قضایی قرار گرفته و موجبات اعتلای علم و اقناع وجدانی قاضی است. موضوع دانش حقوق و دادگستری قضایی حق‌ها است و این حق‌ها چنان‌چه قابلیت اثبات نداشته باشند ارزش قضایی خود را از دست می‌دهند؛ فلذا علیرغم تلاش زائدالوصف سازمان‌های امنیتی لیکن در صورت عدم رعایت ملاحظات تقنینی، اقدامات آنان ابتر خواهد ماند. دلیل هر وسیله یا شیوه قانونی که برای اثبات جرم و انتساب آن به متهم یا نفی اتهام و به هدف کشف حقیقت مورد استفاده قرار می‌گیرد. حال برای این که دلیل بتواند در دادگاه مورد استناد قرار گیرد می‌بایست موجد شرایط خاصی باشد. در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران از نظام ادله مختلط تبعیت می‌نماید. به‌طور مثال در حدود نظام ادله



قانونی و در بقیه جرائم سیستم اقناع وجدانی قاضی جاری است. ادله‌ی اثبات دعوی در فقه امامیه طریقت دارد؛ یعنی قاضی صرفاً در صدد فراهم آوردن صوری ادله نمی‌باشد. برخلاف برخی از سیستم‌های دیگر که ملاک عمل، حقیقت قضایی است. قاضی با فراهم آمدن صوری ادله ثبوت جرم (مجرم بودن متهم) را فرض می‌کند و با توجه به ثبوت این حقیقت قضایی، اقدام به اصدار حکم می‌نماید. کشف حقیقت از اهداف اصلی پرونده کیفری است لیکن طریق نیل به این هدف نیز دارای اهمیت می‌باشد. برخلاف حقوق خصوصی که اثبات اعمال حقوقی نظیر قراردادها، عقود و... با شرایط خاص و قالب‌های مقید صورت می‌پذیرد. در امور کیفری علی‌الخصوص در تحت پیگرد قرار دادن جرائم امنیتی به سبب اتیان افعال خاص و پیچیده، امکان تقید به چارچوب خاص ادله میسر نیست چه آن‌که در غیراین صورت به دلیل راه‌های گریز و به تعبیری نبرد هوشی، قطع به یقین شگردهای ضد آن در دستور کار مجرمین امنیتی قرار می‌گیرد و دستگاه عدالت قادر به پیگرد آن‌ها نمی‌باشد؛ فلذا چاره‌ای جز به استمساک به اصل آزادی دلیل نیست لیکن محدوده آزادی تحصیل دلیل مقید به قانون است در نتیجه اصل آزادی تحصیل دلیل با اصل قانونی بودن (مشروعیت) طریق تحصیل ادله کامل می‌شود. در جرائم امنیتی دلایل اثباتی محصور و مقید به نوع خاصی نمی‌باشد و مرجع تعقیب و تحقیق می‌بایست هرگونه دلیل، قرینه و اماره‌ای را که ممکن است مقید در علم و اقناع وجدانی قاضی به ارتکاب جرم یا براءت متهم می‌باشد را تجمیع و از این حیث تفارقی بین اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است؛ نگذارد حالیه ادله اثبات کیفری در جرائم امنیتی بر ابتدای تحولات تکنولوژی به ادله سنتی و نوین تقسیم می‌گردند و با عنایت به تأثیر علم بر افزایش طرق کشف حقیقت به انضمام شگردهای خاص پیگرد جرائم امنیتی (شواهد اطلاعاتی) می‌توان ادله اثباتی را به صورت سنتی و علمی (اطلاعاتی) تقسیم‌بندی نمود. از آنجایی که علم قاضی رکن رکن ادله در جرائم امنیتی نیز می‌باشد و همچنین دارای خصوصیات اعم از آزاد بودن در تحصیل و ارزیابی دلیل، حجیت علم قاضی، استقلال علم قاضی است، که البته اعتبار علم قاضی منوط به علمی و منطقی بودن علم حاصله، تحصیل علم از راه‌های متعارف، وجود مستند منشأ علم در پرونده و ذکر منشأ پیدایش علم در رأی قاضی است؛



بنابراین جمیع مراتب معنون می‌بایست موجبات اقتناع وجدانی قاضی را فراهم آورد. با عنایت به پیچیدگی زندگی در جوامع انسانی عصر حاضر و نیز ارتقای رشد علمی انسان و اختراع ابزارهای دقیق، نقش دلایل علمی در امر قضا علی‌الخصوص در مباحث جرائم امنیتی بیش از پیش نمایان است از این رو طبیعی است که قاضی در کشف واقع یک جرم به نظر اهل خبره توجه نماید، درغیراین صورت غالب رسیدگی‌ها اتر می‌ماند. لازم به ذکر است که بر ادله دیجیتالی برای مقبولیت اصولی نظیر مشروعیت، منصفانه بودن، محدود و مرتبط جرم بودن و کیفیت و امنیت در تحصیل دلیل ملحوظ‌نظر می‌باشد. بار اثبات دلیل در پرونده کیفری در وهله اول با سازمان‌های امنیتی و النهایه بر عهده مقام تعقیب و تحقیق قضایی است چرا که افراد حتی متهم در ظل اصول عملیه نظیر اصالة البرائه قرار دارند. با امعان نظر به آنچه گفته شد در پاسخ به سؤال اول مبنی بر این که «اصول بازجویی کیفری جرائم مورد پذیرش در جمهوری اسلامی ایران چگونه باید باشد؟» فرضیه اول با اتکال بر استدراج ارکان تقنینی شکلی و ماهوی به اثبات رسید و همچنین در پاسخ به سؤال دوم مبنی بر این که «آیا برای تبدیل شواهد اطلاعاتی به مستندات قضایی در نظام کیفری و امنیتی ما الگویی مبتنی بر اصول حقوقی وجود دارد؟» با ترصد به فرضیه دوم به این نتیجه رسیدیم که تا قبل از این پژوهش الگوی مدونی در نظام حقوقی کشور ایران وجود نداشت لیکن با مذاقه در جمیع مراتب معنونه به این مهم دست می‌یابیم که ارائه طریق موصوف می‌تواند گام مثمر ثمری در نیل به تدوین شاخص بازجویی کیفری جرائم امنیتی داشته باشد و در آخر نیز در پاسخ به سؤال سوم مبنی بر این که «ترسیم الگوی تبدیل شواهد اطلاعاتی به مستندات قضایی چگونه می‌تواند سبب ارتقاء امنیت تلقی گردد؟» فرضیه سوم مبتنی بر ارائه الگوریتم تبدیل مارالد کر، موجبات اجتناب از افراط و تفریط‌های محتمل بر حقوق حاکمیت و متهمین را با ارتقاء کیفیت دادرسی و النهایه افزایش ضریب امنیتی را به دنبال خواهد داشت را به اثبات می‌رساند. علی‌ای حال اصول حقوقی بازجویی کیفری جرائم امنیتی مبتنی بر رعایت مراتب معنون است و تخطی از موارد موصوف، زحمات زائدالوصف دستگاه‌های امنیتی و قضایی را زایل می‌نماید. همچنین با تمتع از این اصول از عملیات ضدبازجویی مجرمان امنیتی حرفه‌ای نیز جلوگیری به عمل می‌آید.



راهکارهای پیشنهادی این پژوهش که مبتنی بر یافته‌های تحقیق و بر اساس مذاقه در پرونده‌های مفتوح سازمان‌های امنیتی در دستگاه‌های ذیصلاح قضایی است به شرح ذیل ارائه می‌شود:

از آنجایی که سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، به تخصص حقوقی صرفاً از منظر پشتیبانی نگاه می‌نمایند و همین امر باعث گردیده تا در سال‌های اخیر پرونده‌های امنیتی در غالب موارد به نتایج ملحوظ‌نظر آنان منبول نگردد؛ فلذا پیشنهاد می‌شود نسبت به ایجاد جایگاه‌های هدایت عملیات کیفری در رأس هرم موضوعات مأموریتی اطلاعاتی مبادرت گردد و در سه حوزه عملیاتی قبل، حین و بعد از اقدام کیس‌های جاری از افسران اطلاعاتی حقوقدان کیفری جهت مشاوره با حاکمیت استصوابی استفاده نمایند و این رویکرد باعث می‌شود تا ضمن جلوگیری از اطاله دادرسی و ابتر ماندن اقدامات امنیتی، زبان مشترک تبدیلی فی مابین سازمان‌های اطلاعاتی و دستگاه قضایی به وجود آید و موجبات نیل به اهداف سازمان‌های اطلاعاتی و اعتلای امنیت عمومی جامعه و النهایه اقتدار حاکمیت را در پی داشته باشد. احیای سلسله مراتب بازجویی تخصصی در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی و استفاده از افسران اطلاعاتی مسلط به حقوق کیفری جرائم امنیتی نقش به‌سزایی در پیشبرد اهداف سازمان‌های امنیتی را به دنبال دارد و این مهم در اکثر سرویس‌های اطلاعاتی دنیا مرسوم بوده است و حتی قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی در ساواک با استفاده از متخصصین عالی‌رتبه حقوق کیفری این سازمان مطامع خود را تحت پیگرد قرار می‌داد. ایجاد رشته تخصصی حقوق اطلاعاتی در دانشگاه‌های سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی و تربیت افسران اطلاعاتی حقوقدان کیفری و بین‌الملل مطابق با نیازمندی‌های سازمان‌های امنیتی حقیقتی اجتناب‌ناپذیر است که در صورت انجام این مهم شاهد ارتقاء سطح توانمندی‌های سازمانی در سطح ملی و بین‌الملل خواهیم بود.



منابع و مأخذ

- ۱) آزمایش، علی، (۱۳۸۶)، قوه مجریه در امر قضا، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، پیش شماره دوم، پاییز و زمستان.
- ۲) ادوارد، سعید و دیگران، (۱۳۸۴)، چالش‌های حقوق بشر، ترجمه: فروغ پوریاوری، چاپ اول، تهران، نشر آگه.
- ۳) افتخاری، اصغر، (۱۳۸۴)، ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، جلد اول، انتشارات گل پونه.
- ۴) امیدی، جلیل، (۱۳۸۸)، نقد و بررسی طرح تشدید مجازات اخلال در امنیت روانی جامعه، تازه‌های علوم جنایی، مجموعه مقاله‌ها، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ اول، بهار.
- ۵) آردی مک‌لارن، (۱۳۷۹)، مدیریت امنیت ملی؛ تجربه آمریکا و درس‌هایی برای دول جهان سوم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶) یزدیان‌جعفری، جعفر، (۱۳۹۵)، تقابل امنیت فردی و ملی در جرائم علیه امنیت. مجله پژوهش کیفری، سال چهارم، ۱۴: ۵۹-۸۱.
- ۷) نوروزی‌فیروز، رحمت‌الله، (۱۳۹۲)، کارشناسی در حقوق ایران. تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.



۸) نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۱)، درباره امنیت شناسی؛ از حق بر امنیت تا حق بر

تأمین دیباچه مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم. تهران: انتشارات میزان.

۹) فارس نجاری، علی محمد علی محمدی، محبوبه رستمی‌فر، (۱۳۹۵)، قانون مجازات اسلامی

به زبان ساده. تهران: انتشارات کتاب آوا.

۱۰) نسل، محمد، (۱۳۹۵)، بررسی و نقد ارزش قضایی گزارش ضابطین دادگستری در قانون

آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب. فصلنامه‌ی دانش انتظامی، سال سوم،

شماره دوم.

۱۱) نجفی محمدحسن، (۱۳۹۰)، جواهرالکلام (حدود و تعزیرات) جلد سوم؛ ترجمه اکبر نایب-

زاده. قم: انتشارات خرسندی.

۱۲) Mireille Delmas-Marty (2007). *The paradigm of the War on Crime Legitimizing Inhuman Treatment? Journal of International Criminal Justice*, No.5, pp.584-598.